



تکنوکراسی و جامعه توده ای

تکنوکراسی یعنی عده با قدرت دانش و مدارک دانشگاهی وارد جامعه سیاسی بدوی شده و تصاحب قدرت می کند، در این روش دانش فاقد اخلاق، یعنی سعی بر این است تا جامعه در حالت بدوی قرار داشته باشد، گرچه تعداد محصلین و فارغان در آمار میلیونی باشد.

یعنی یک هزار دانشگاه بهتر در سطح دنیا که سالانه اعلام می شود، به اساس دو معیار عمدتاً سنجش می گردد، یک مدیریت دانشگاهی و دوم تحقیق: که مدیریت دانشگاه داشتن کدرها در رشته ها، نحوه آموزش حضوری و آنلاین با معیار، منابع اصلی و فرعی با روز شده، ساختن فلم های کوتاه مستند یا کمپیوتری، واحد گزارشی کریدت ها که شامل مضامین تخصصی و اساسی و فرعی رشته می گردد... و جان کلام دانشگاه که در تحقیق نهفته است، که دست آوردهای پژوهش در علوم تجربی اختراع یا کشف و یا امتداد یا گسترش اختراع و یا کشف، که در علوم انسانی نتیجه پژوهش ها شامل استنتاجات و یا گستره آن است. که قطعاً در طول بیست سال تا امروز شرف درج شدن در این یک هزار دانشگاه بهتر را دانشگاه های افغانستان پیدا نکرده است.

از آنجاییکه تخصص من در علوم سیاسی است، با این سوالات می خواهم در تشخیص مشکل بیشتر وارد شویم: فرض کنیم، اکنون طالبان در قدرت نباشد. کی بیاید و حکومت کند؟ اگر عده از قوم تاجک، هزاره و یا ازبک و یا هر قوم دیگر بیاید حالت بهتر خواهد شد؟ اصلاً چرا راه رسیدن به قدرت مشروع که در سیر ملت سازی در حاکمیت ملی نهفته است با قوم اشتباه گرفته ایم؟ چند مقاله علمی تخصصی و کتب مطلوب در دانشگاه های دولتی و خصوصی کشور داریم که برای گذر از حالت کنونی به مطلوب را نسخه کاربردی داده است؟ یعنی تحلیل علمی اگر چه تحلیلی توصیفی نوشته باشد، نیروی تحرک از قدرت دانش بسوی هدف را دست یابنتی می کند. البته تعداد انگشت شماری دانشمندان داریم که وابسته قدرت منطوقی الخصوص ایران شده اند، که با انگیزه های عقیدتی، افکار ملی و سیر حاکمیت ملی برای شان منفعت بار نیست، و رویکرد علمی راهم چنان مدیریت می کنند، که اندکی بسوی وحدت ملی کمک نمی کند.

من تازه دست هایم را در گوش گرفته از دانشگاه آنلاین که ظاهراً برای بانوان کشور طراحی شده بود فرار کردم، زیرا معیار دانشگاه برای دوره لیسانس یا کارشناسی ۱۲۸ کریدت در هشت یا هفت ترم یا سمیستر نهادینه شده، که رویکرد آنها، هدف تعیین شده دانشگاه را در ده سال هم ممکن نمی کند. گرچه با امکانات اندک معیار مطلوب را برای شان پیشنهاد کردم که چندان مورد هدف قرار نگرفت و نتیجه اینکه انصراف دادم.

برای اینکه بگویم جز دانشگاه با معیار و سیر ملت سازی از قدرت دانش با تعهد به انسانیت و وطن، گزینه بدیل نداریم، اجازه دهید، تیوری ماکیاولی را در باب شرافت و فضیلت جمهوریت بیان کنم: برای مردم ایتالیا آزمان شاهی مستبد را پیشنهاد می کند در شهریار، زیرا استدلالش این بود، که اگر شما جمهوریت را به مردم که فاقد رسیدن به فضیلت

جمهوريت است، بدهيد يکديگر خودرا نيست مي کنند. حالا در ۲۰۱۴ اکثريت جمعيت به دو دسته در عقب فرد، فرد که ممکن خطا و جايز الخطا است، ايستاده شدند تا قانون و حاکميت قانون که برای ما شفافيت انتخاباتي ببار مي آورد- که حالت کنونی ما نتيجه است که آنزمان نطفه آنرا گذاشتيم، بيايد قبول کنيم علم، قلم، همت، وجدان و تعهد را برای و به منظور خرد، شجاعت، توازن و عدالت بکار گيريم تا جامعه سياسي مطلوب را تاسيس کرده و منحيث انسان های با عزت امروزی صاحب دولت مشروع و مقتدر گرديم.



برای مطالب ديگر محمدآصف فقيری روی عکس کلیک کنید

